



۲۰۱۸/۰۷/۰۹

داؤد موسی

علاج درد افغان

یادداشت اداره:

اکثر مقالات و مضامین جناب محمد داؤد موسی نویسنده متفکر، محقق و قلمبست فرهیخته و وارد بر مسائل فرهنگی و سیاسی، از نگاه محتوا، قید زمانی ندارد و آریانا افغانستان آنلاین به اجازه خود جناب شان آن نوشته های شان را که تا حال در این وبسایت نشر نشده است، از آرشیف شان برای خوانندگان معزز آریانا افغانستان آنلاین به دست نشر مجدد می سپارد.

آنان که به نشرات فارسی صدای امریکا (رادیوی آشنا) آشنایی داشته به آن گوش می دهند، ممکن شام پنج شنبه مصاحبه جناب داکتر وحید وحیدالله را به زبان های دری و پشتو با رادیوی مذکور شنیده باشند. بدبختانه بنده گفتار و نظریات شان را يك سر مملو و آگنده از کلیشی Cliche یافتم. کلیشی آنست که یکی برای حل ساده يك مشکل بغرنج، يك پیشنهاد ساده اما عوام فریبی را عرضه نماید. مثلاً در زبان پشتو اگر بگوییم:

"شه کوی، بد مه کوی"

هیچ کسی جرأت رد این گفتار ما را نخواهد داشت، اما طوری که می دانیم، مشکل اساسی در دنیای امروزی در تفریق میان "شه" و "بد" است.

جناب داکتر صاحب که به گفته خود شان طراح اصلی پروسه بن بودند، مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امروزی کشور ما را ناشی از عدم تطبیق در خور فورمول های مجرب خود می دانند. باید بگوییم که من درین پندار، موقف داکتر صاحب را به خوبی درک کرده می توانم. چه خودم نیز مثل ایشان دهه های ۸۰ و ۹۰ را در عالم مهاجرت و جلاوطنی به سر برده ام، اما من هم که با سقوط رژیم طالبان دوباره به وطن برگشتم، متوجه می شوم که چقدر گرفت، تحلیل و قضاوت داکتر صاحب درین مسائل عیناً شبیه گرفت، تحلیل و قضاوت هفت سال پیش من می باشد. از اینست که اکنون که من وقتاً فوقتاً به خارج سفر می کنم و دوستان به منظور کسب معلومات از احوال

وطن به گردهم جمع می شوند، جواب من برای شان همین است که برای فهم درست این اوضاع باید يك چند ماهی را در افغانستان به سر ببرند. در غیر آن بحث من با ایشان از دو نقطه دید کاملاً متفاوت و بی نتیجه خواهد بود. بدبختانه تحلیل های جناب داکتر صاحب نیز به نظر من ناشی از دید شان از يك دريچه بیست سال قبل می باشد. داکتر صاحب مدعی بودند که نسخه ای که جناب شان منحیث طرح بن به افغانستان مریض داده بودند، ناشی از تشخیص مجربی بود ولی دوا به وقت و مقدار درست تطبیق نگردید. ایشان می گفتند که :

- چرا با سقوط رژیم طالبان، سران آن دولت قلع و قمع نشدند؟
 - چرا به تفنگ سالاران در حکومت جدید حق دخالت داده شد؟
 - چرا سلاح از دست مردم کشیده نشد؟
 - چرا کشت کوکنار منع نشد؟
 - و چرا... در حالی که این همه سوالاتی می باشند که بعد از واقعه در ذهن همگی ما خطور نموده اما حق طرح آن را تنها کسانی دارند که قبل از واقعه متوجه آن گردیده و به دیگران هشدار داده باشند.
- بهتر است روی يك چند موضوع به خصوص مطروحه شان عطف توجه کنیم:

جناب شان فرمودند که باید در اولین لویه جرگه بعد از کنفرانس بن، تعیین اعضای جرگه از طریق عنعنوی یعنی توسط ریش سفیدان و بزرگان اقوام صورت می گرفت نه از طریق صندوق رأی. در حالی که از روی معلوماتی که من دارم، صندوق رای در آن پروسه اصلاً مطرح نبود، اما روح سخن درین جاست که ایشان فراموش کرده اند که با ختم دوره جهاد و طالبان، بزرگان قوم و ریش سفیدان دیگر وجود ندارند بلکه آنها جای و قدرت خود را به قومندانان و تفنگ سالاران امروزی سپرده اند. اگر فرموده ایشان تطبیق هم میشود، باز هم اختیار به دست اخیر الذکران باقی میماند که در آینده نزدیک هم چنین خواهد بود.

۱- قابل ذکر است که داکتر صاحب در درازای گفتار خود، يك طرح جدیدی را نیز پیشنهاد نمودند که یکی از لازمه های آن طرح "اتحاد سر تا سرى مردم افغانستان" من حیث يك prerequisite بود که باید از پیش تأمین گردد. غافل ازین که با به وجود آمدن اتحاد سرتاسری مردم ما، همگی مشکلات سیاسی داخلی ما به يك سر از بین رفته و ضرورتی به باقی فرمایشات شان نمی افتد. هم اکنون در کشور ما میلیون ها نفر سودای يك رژیم فدرالی (و حتی پارچه شدن افغانستان را) در سر می پروراندند. بدون آن که بفهمند فدرالیزم یعنی چه و تحت کدام شرایط به وجود آمده می تواند. تنها يك عده قدرت طلب فهمیده اند که در چنین نظامی فرصت کسب قدرت و استفاده مادی بیشتر برای شان میسر است. توصیه داکتر صاحب که داستان مشهور "زنگوله انداختن به گردن پشك" را به یاد می آورد، مثال خوبی از کلیشی پروری است که در بالا به عرض رساندم. یک موضوعی که باید حتماً به عرض داکتر صاحب برسانم اینست که اولویت ها اکثراً عندی بوده و از شخص تا شخص فرق میکند. جای بسیار تعجب است که درین شب و روز حساس که عده ای انبوهی از نخبگان کاردان کشور ما در اندوه مناظره کاربرد کلمه دانشگاه به جای پوهنتون در خاک و خون می غلتند، جناب داکتر صاحب را اندیشه نجات وطن در سر افتاده است.

۲- در مورد از بین بردن کشت تریاک نظر داکتر صاحب این بود که باید اولاً برای تریاک يك "کشت بدیل" سراغ گردد و بعداً به کسانی که به کشت این گیاه بدیل می پردازند، پول سببایدی داده شود. این هم بد بختانه يك کلیشی بسیار معروف است. بدین معنی که:

اولاً برای کوکنار يك كشت بدیل وجود ندارد زیرا فرق بین عاید گندم و کوکنار از يك جریب زمین تا تقریباً یازده برابر به نفع کوکنار است. ثانیاً در چند دهه قبل اگر يك دهقان مالك ده جریب زمین میبود، از عاید همین ده جریب به بسیار خوبی اعاشه فامیل خود را کرده میتوانست. ولی اکنون که بعد از وفات او زمین مذکور بین پنج نفر اولاد او تقسیم گردیده، یگانه راه بقاء برای هر يك از اولاد های او، با دو جریب زمین، همانا كشت کوکنار است و بس. ثالثاً مقدار پولی که اکنون جمعاً از فروش تریك نصیب برزرگران افغان میگردد، تقریباً يك ملیارد دالر در سال است. برای دادن سببایدی کافی به دهاقین باید فرق قیمت بین عاید گندم و کوکنار به آنها داده شود که به محاسبه تخمینی بالغ بر نهصد ملیون دالر میگردد. این مقدار پول اولاً در حیطة امکانات ما نبوده و ثانیاً اگر هم باشد از گاو "غدود" آن به دهقان بیچاره نمی رسد. تجربه دو سال قبل که همین پالیسی در آن زمان پیاده گردید، این واقعیت را به اثبات می رساند.

۳- در جواب سؤال یکی از شنوندگان که نسخه داکتر صاحب برای کوتاه ساختن دست همسایگان از امور داخلی افغانستان چه خواهد بود؟ داکتر صاحب يك "لویه جرگه انتفالی" را پیشنهاد نمودند که در آن خود نمایندگان ملت طرق حل این معضله را تجویز خواهند نمود. درین کلیشی باز به دو مشکل برمی خوریم: یکی اینکه لویه جرگه آینده افغانستان به هیچ صورتی شبیه لویه جرگه های قبلی بوده نمی تواند چه از اثر تبدلات سیاسی و اجتماعی که درین چند سال اخیر در کشور ما به وجود آمده، گمان نمی کنم کشمکش های ناشی از تضاد های قومی، زبانی، منطوقی و مذهبی به ما فرصتی بدهد تا روی چگونگی يك حکومت جدید بحث سالم و در خور صورت بگیرد. از جانب دیگر، مسأله مداخله همسایگان در امور داخلی ما يك موضوع چند بعدی بوده که باید از طریق دیپلماسی حل گردد نه توسط نمایندگان لویه جرگه و آقای کرزی از سالها به این طرف نا مؤفقا نه در طلب پرسونل در خور برای این منظور در پچالست.

۴- در بخش پشتوی مصاحبه داکتر صاحب يك شنونده متوجه به عدم آشنایی داکتر صاحب با احوال مستولی بر کشور ما شده، توصیه نمود که باید داکتر صاحب به وطن تشریف آورده و طرح جدید خود را مسجد به مسجد با ملت افغان در میان بگذارند؟ داکتر صاحب در جواب، این توصیه را پسندیده و وعده نمودند که همین کار را خواهند کرد. باید به ایشان هشدار بدهم که اگر احیاناً چنین خیالی را در سر دارند، ترور شان توسط طالبان، در مسجد سوم لاید و حتمی خواهد بود (خدا نا خواسته).

در پایان گفتار می خواهم به داکتر صاحب توصیه کنم که یگانه راه برون رفت از سردرگمی روی دست، تدارك پرسونل وارد (در همه وجوه زندگی) ماست که در شرایط فعلی، نه این کدر را در دسترس داریم و نه با معارف امروزی ما امیدی برای آن در آینده نزدیک دیده میشود. الله یاور.

یادداشت اداره:

نیشته ارزشمند آقای " داؤد موسی" از نظر تان گذشت، ایشان به درستی بر قسمت هائی از صحبت آقای " وحید وحید الله" انگشت انتقاد گذاشتند، اما نباید چنین تصور شود که گویا با بخش های دیگر آن موافقتی وجود دارد، که هرگز چنین مباد!

صرف نظر از آنکه بعد از افشاء گری های آقای "مسکین یار" با گفته های آقای "وحید وحید الله" باید با دقت بیشتر از قبل برخورد نموده تعلقات قبلی اش را به مزدوران روس و از آن طریق با نهاد های استخباراتی شوروی دیروز و روسیه امروز از نظر دور نداشت، ما را اعتقاد بر آن است که جلسه بئن ابتکار هر کسی که بوده باشد، آن ابتکار حلقه ننگیست بر گردن طراح آن. زیرا این کنفرانس بود که،

- - بر تجاوز کشور های امپریالیستی بالای افغانستان صحه گذاشته، امکان عملی آنرا به وجود آورد تا اشغالگران امپریالیستی، تجاوز عریان شان را بر کشور غرقه در خون ما، به مثابه یک اقدام "آزادی بخش" تبلیغ نموده، خلق های افغانستان، منطقه و جهان را به گمراهی اسارت آور سوق دهند.
- - ترکیب " قیرس، پشاور، روم، اتحاد شمال" که در اصل نیروهای آتی بودند:
 - "حکمتیار و ایران و آی. اس. آی.
 - امپریالیزم غرب، روس ها، ایران و هند"

در عمل کشور ما افغانستان و حیات مردم آنرا به حراج سیاسی بین همسایگان و سایر کشور های مداخله گر گذاشته قیمومیت آنها را بر افغانستان تسجیل نمود.

- - با توافق به ایجاد اداره مستعمراتی کرزی در غیاب مردم ما، بر استقلال و حاکمیت ملی ما خط بطلان کشیده ارزشی بیشتر از معاهده سه جانبه "رنجیت سنگهه، انگلیسها و شاه شجاع" ندارد.
- - ترکیب اداره مستعمراتی و تقسیم چوکی های قدرت به اساس تعلقات قومی، زبانی و مذهبی؛ در عمل توافق با برنامه های شیطانی اجانب به منظور تجزیه افغانستان سمت گیری نموده، خیانتیست آشکار علیه وحدت ملی و جغرافیایی کشور.
- - با به قدرت برگرداندن جنایت کاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در سه دهه اخیر بر خون یک ونیم ملیون شهید، و حق صد ها هزار قربانی دیگر پا گذاشت.
- - در آستین نگهداشتن طالب به خاطر ایفای نقشهای بعدی در خدمت استعمار و ارتجاع . . .

با در نظر داشت مطالب بالا، و ده ها نکته دیگر، ما را عقیده بر آن است که کنفرانس بن حلقه ای ننگیست برگردن طراحان و مجریان آن. ۲۰۰۸/۱۱/۳۰

